



برداشتی نو در اثبات ولایت علی(ع) بر اساس آیات قرآن کریم

«حجت الاسلام والمسلمین استاد محسن قرائتی» از مفسران معاصر قرآن کریم است که سال‌ها با بیانی شیرین و جذاب، به درس‌هایی از قرآن پرداخته است. وی به استفاده‌های مبتکرانه از آیات قرآن کریم نیز مشهور است.

#171؛ حجت الاسلام والمسلمین استاد محسن قرائتی؛ از مفسران معاصر قرآن کریم است که سال‌ها با بیانی شیرین و جذاب، به درس‌هایی از قرآن پرداخته است. وی به استفاده‌های مبتکرانه از آیات قرآن کریم نیز مشهور است. آنچه می‌خوانید حاصل گفتگویی است با موضوع #171؛ برداشتی نو از قرآن در اثبات حقانیت، امامت و ولایت علی(ع)؛ که به مناسبت میلاد مولای متقیان(ع) صورت گرفته است.

سوال: کسانی که در تاریخ اسلام تفکر می‌کنند در مورد ماجرای تولد علی(ع) در خانه کعبه حیران هستند. چگونه می‌توان این ماجرای عجیب را فهمید؟

* بسم الله الرحمن الرحيم. الهی أنطقنی بالهدی و ألهمنی التقوی.

در ابتدا ولادت با سعادت امیرمؤمنان حضرت علی(ع) را به شیعیان و محبانش تبریک عرض می‌کنم.

به خاطر دارم که #171؛ عبدالفتاح عبدالمقصود؛ نویسنده مشهور عرب در اواخر دوران طاغوت به ایران آمد و درباره موضوعات مرتبط با حضرت علی(ع) در جلسات و نشست‌هایی در قم شرکت کرد. از جمله سؤالاتی که وی - به عنوان فردی دانشمند و صاحب تألیف بود - در جلسه‌ای پرسید این بود که: تحلیل و برداشت شما شیعیان درباره اینکه علی بن ابی طالب در کعبه متولد شده است چیست؟

از وی پرسیدند: آیا واقعاً این موضوع را قبول نداری؟

پاسخ داد: چرا قبول دارم ولی می‌خواهم تحلیل شما را بدانم.

برخی مانده بودند که چه جوابی به او بدهند اما یکی از آقایان پاسخ او را داد و گفت: #171؛ همه مسلمین جهان رو به کعبه نماز می‌خوانند. خداوند علی بن ابی طالب را در کعبه متولد کرد تا هر که رو به کعبه نماز می‌خواند و به کعبه توجه می‌کند، به یاد علی نیز بیفتد.

با همین مضمون یکی از علما به نام #171؛ شمس اصطهباناتی؛ شعری دارد که:

این خانه را باید خدا در عرش معماری کند

آدم بنایش بر نهد جبریل هم، یاری کند

آید خلیل الله در او یک چند حجاری کند

او را اولو العزمی دگر منقوش و گچکاری کند

اینسان خدا از خانه‌اش چندی پرستاری کند

تا ساعتی از یک دوست میهمانداری کند

این شعر به این معنا است: معمار کعبه، خدا است. حضرت آدم(ع) پایه گذار بنا و جبرئیل امین دست اندکار کعبه است. حضرت ابراهیم(ع) سنگ کاری و حضرت اسماعیل(ع) گچ کاری آن را انجام داده است. معمار و بنا و سنگ کار و گچ کار و ... همگی خانه را نگه داشتند و دست به دست هم دادند؛ چرا که خداوند مهمان دارد. حال مهمان او کیست؟ علی بن ابی طالب.

سوال: حضرت علی(ع) را چگونه بشناسیم و معرفی کنیم؟

* شناخت واقعی علی بن ابی طالب(ع) کار ما نیست. یک مثال می‌زنم: حداکثر عمر مفید ما 70 تا 80 سال است. در طول این 70 - 80 سال، یک رکعت نماز با توجه نمی‌خوانیم؛ بلکه سر همه نمازهایمان حواسمان پرت است. حال علی(ع) شبی هزار رکعت نماز می‌خواند که در تمام رکعت‌ها حواسش جمع بود. پس با یک حساب سرانگشتی درمی‌یابیم که 80 سال ما، یک هزارم یک رکعت حضرت علی(ع) نمی‌شود! پس حتی اگر علم، شجاعت، ایثار، اخلاص، حکمت و تمام کمالات این بزرگمرد تاریخ بشریت را کنار بگذاریم، فقط در برابر نماز مولا علی(ع) می‌توان گفت کمتر از نقطه هستیم. در نتیجه ما نمی‌توانیم علی را بشناسیم و او را معرفی کنیم.

سوال: پس چه کسی باید علی(ع) را معرفی کند؟

* قرآن کریم و پیغمبر(ص) باید علی(ع) را معرفی کنند.

سوال: قرآن، علی(ع) را چگونه معرفی می‌کند؟

* در جریان مباحله، مسیحیان به پیامبر(ص) گفتند: ما رسالت تو را قبول نداریم پس بیائید دعا کنیم و جان‌هایمان را بیاوریم و در حق هم نفرین کنیم ببینیم خداوند کدامیک از ما را نابود می‌کند. «فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا تَدْعُوا أُنْتَاءَنَا وَأُنْتَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ«. (سوره آل عمران، آیه 61) یعنی: هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده با تو محاجه کند بگو بیایید پسرانمان و پسرانمان و زنانمان و زنانمان ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم سپس مباحله کنیم و لعنت‌خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. وقتی حضرت رسول گرامی(ص) آمد همه دیدند که ایشان از بین زنان جز پاره تن خود «فاطمه(س)« و از فرزندان جز دو نوه خود «حسن(ع)« و «حسین(ع)« و از بین کسانی که به منزله جان او یا در حکم شخص او بودند جز برادرش «علی(ع)« را فرا نخواند.

(سند اینکه ایشان فقط پنج تن آل عبا را در جبهه مقابله مسیحیان بردند در کتب اهل سنت بسیار است؛ از جمله می‌توان به «تفسیر طبری«؛ محمد بن جریر طبری، «مستدرک«؛ حاکم نیشابوری، «دلائل«؛ ابو نعیم و «تفسیر کشف«؛ زمخشری اشاره کرد.)

جرا علی جان پیامبر است؟ چون امیرالمؤمنین(ع) کاری کرد که خداوند به خاطر آن کار به وجودش در مقابل ملائکه مباحات کرد. علی(ع) چه کرد که خدا به وجودش مباحات کرد؟ او در شبی که قرار بود کفار قریش حمله کنند و پیامبر را در رختخوابش قطعه قطعه کنند در جای پیغمبر(ص) خوابید. خداوند به فرشتگان گفت: «ببینید چگونه علی(ع) جای پیغمبر(ص) خوابید و پیش مرگ او شد. از شما فرشتگان چه کسی می‌تواند پیش مرگ دیگری شود؟«.

در نتیجه، همانگونه که در جریان خوابیدن حضرت علی(ع) به جای پیغمبر(ص) مولا خواست جانش را فدا کند، پیامبر نیز به جبران آن، در ماجرای مباحله به همه اثبات کرد که جانش علی(ع) است. سوال: شاعری به ظرافت گفته است:

علی را قدر، پیغمبر شناسد

که هر کس خویش را بهتر شناسد ...

* بله؛ خداوند قسمت کند به زیارت حرم مولا و پابوس علی(ع) بروید؛ می‌بینید که اذن دخول حرم حضرت علی(ع) مانند اذن دخول حرم حضرت محمد(ص) است؛ انگار می‌خواهید وارد مسجد النبی(ص) شوید. تمام زیارت امام علی(ع) به اذن رسول الله(ص) است. در اذن دخول حرم امیرالمؤمنین(ع) اصلاً اسم از ایشان نیست بلکه به طور مداوم از پیامبر(ص) اذن می‌گیریم.

جالب این است که در زیارت مولا علی(ع) می‌گوئیم: «ای کسی که در مدینه دفن هستی اذن بده!«. آخر مگر حضرت علی(ع) در مقابل ما دفن نیست؟ پس چرا از پیامبر(ص) برای ورود اذن می‌گیریم؟! دیگر چگونه اثبات کنیم که این نمونه‌ها اشاره دارد به این قرب علی(ع) با پیامبر(ص)؟

با این نمونه‌ها آیا نمی‌توان فهمید که کلمه «ولی« و «مولا«؛ در حدیث «من کنت مولا فهدا علی مولا«؛ به معنای دوست نیست و به معنای «ولی نعمت« است؟! سوال: شما مفسر قرآن کریم هستید و سال‌ها درس‌هایی از قرآن داده‌اید. از کدام آیات قرآن می‌توان امامت و ولایت علی(ع) را اثبات کرد؟

* درباره اثبات ولایت و امامت امیرالمؤمنین(ع) آیات زیادی وجود دارد؛ اما من در این مصاحبه به یک نمونه اشاره می‌کنم که شاید کمتر شنیده باشید. اما پیش از آن مقدمه‌ای عرض کنم:

کارهای خداوند حکیمانه و هدفمند است. از جمله کارهای هدفمند خداوند، بیانات قرآن کریم است. اگر خدا در قرآن قصه حضرت یوسف(ع) را نقل می‌کند در پایان می‌گوید: «اینگونه اجر نیکوکاران را می‌دهیم«. (سوره یوسف، آیه ۵۶) یعنی فکر نکنید این قصه، یک داستان شخصی بود بلکه هرکه خود را اینگونه از گناه حفظ کند، ما به آن اینگونه پاداش می‌دهیم. اینگونه عبارات در قرآن کریم بسیار است و قانون این است که از قرآن باید استفاده عام کرد.

اما آن نمونه: خداوند در سوره بقره - که بزرگ‌ترین سوره قرآن است - قصه «طالوت« و «جالوت« را نقل می‌کند. در این واقعه، دو جبهه حق و باطل در مقابل هم قرار گرفتند. در جبهه حق، جوانی بود به نام «داوود«؛ که با شجاعت تمام، رهبر کفر را کشت. قرآن می‌فرماید حال که شجاعت به خرج دادی و رهبر کفر را کشتی، من سه چیز به تو می‌دهم: 1. حکومت 2. حکمت 3. علم وسیع.

(وَ قَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ« (بقره - 251).

یعنی: و داوود جالوت را کشت و خداوند به او پادشاهی و حکمت ارزانی داشت و از آنچه می‌خواست به او آموخت.) داوود پس از آن کار بزرگ، ابتدا نامش شد «جناب داوود«، سپس شد «حضرت داوود« و سرانجام فرزندانش پیغمبر شدند.

حال ما می‌گوئیم: مگر در جنگ احزاب یا همان جنگ خندق، حضرت علی(ع)، «عمرو بن عبدود« را به درک واصل نکرد؟ حال چطور خداوند در آن ماجرا که رهبر کفر توسط یک جوانی به نام داوود کشته شد به آن قهرمان الهی، حکومت و حکمت و علم می‌دهد اما به علی(ع) نمی‌دهد؟ آیا این خلاف سنت و قانون خداوند نیست؟ پس همان الطافی که به داوود(ع) کرد باید به علی بن ابی طالب(ع) نیز بکند.

اگر قانون این است که داوود، جالوت را که رهبر کفر بود را کشت و حکومت و حکمت و علم را دریافت کند، پس علی بن ابی طالب نیز که قهرمان سپاه کفر عمرو بن عبدود را در جنگ خندق به جهنم فرستاد، باید همان مقدار که داوود از الطاف الهی برخوردار شد، از

این موهبت‌ها برخوردار شود.
این خود دلیلی محکم است بر اثبات حقانیت ولایت مولانا امیرالمؤمنین علی علیه السلام. این سندی است محکم و مستند.
آیا دلیلی بالاتر از قرآن است؟!
با تشکر از: ابنا/ علی شاکر